

فرشتگان

(دوستان آسمانی خود را بهتر بشناسیم!)

اگر در قرآن بارها شیطان را دشمن آدمیان شمرده‌است (۱)، در جهت مقابل، دوستانش را نیز به همان نسبت معرفی کرده‌است! این را از قول خود فرشتگان که دست دوستی به سوی ما دراز کرده‌اند بشنوید: " ما دوستان حامی شما در دنیا و آخرت هستیم!":

فصلت ۳۱- نَحْنُ أَوْلِيَاكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...

این اتفاقی نیست که دو نام: "شیطان" و "ملائکته" به طور مساوی ۶۸ بار در قرآن تکرار شده و در مجموع، با ترکیب ضمایر و مشتقات دیگر، باز به رقم مساوی ۸۸ می‌رسیم! یعنی انسان‌ها همچون بُراده های آهن! در دوراهی انتخاب میان دو قطب مثبت و منفی آهن‌ربای نیروهای خیر و شرّ عالم قرار گرفته‌اند.

باور به فرشتگان، یکی از چهار پایه ایمان

چهار رکن بنای ایمان در نظام اعتقادی قرآن؛ باور به: ۱- خدا، ۲- فرشتگان، ۳- کتاب‌های الهی (اصول قوانین تشریحی)، ۴- رسولان است، و انکار این چهار اصل نشانه گمراهی به شمار می‌رود. نگاه کنید به دو آیه زیر:

بقره ۲۸۵- وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...

.... و مؤمنان نیز همه به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها و فرشتگانش باور دارند

نساء ۱۳۶- وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

و هرکس به خدا، فرشتگان، کتابها، رسولان او و روز آخرت منکر شود، بی‌تردید گمراه شده، گمراهی دور.

در تأکیدی دیگر، نائل شدن به مقام "ابرار" که بالاترین مقام ایمانی است، جز با رسیدن به این چهار اصل ممکن نمی‌گردد:

بقره ۱۷۷- لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ

نیکی (وسعت نظر و توسعه شخصیت) آن نیست که (در نماز) روی به طرف مشرق یا مغرب کنید، بلکه نیکی (عمل) کسی است که خدا، آخرت، کتاب، و پیامبران را باور دارد و....

چنین ایمانی صرفاً جنبه ذهنی و باورنظری ندارد، بلکه در عمل روزانه و رفتار اجتماعی با دوست و دشمن خود را نشان می‌دهد. فراز زیر نکوهشی است که خداوند بنی‌اسرائیل را به خاطر تعصب دینی و نژاد پرستی‌شان در انکار رسالت پیامبر اسلام داشتند، ذکر کرده است:

بقره ۹۸- مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

هر که دشمن خدا، فرشتگان، پیامبران، جبرئیل و میکائیل باشد، (بداند) خدا دشمن انکار ورزان است.

اعتقاد به وجود فرشتگان، ابتکار قرآن و اسلام نیست، در زمان نزول قرآن، نه تنها یهودیان و مسیحیان به چنین امری باور داشتند، مشرکین مخالف پیامبر اسلام نیز به طور جدی بر چنین باوری بودند و نقشی اساسی برای آنان در زندگی روزمره خود، همچون نقشی که برخی از شیعیان برای امامان(ع) در توسل و تشفع به آنان معتقد هستند، قائل بودند. آنها فرشتگان را دختران خدا (۲) و وسیله شفاعت (۳) و تقرب به درگاه او (۴) برای جلب منافع و دفع شرور دنیایی می‌دانستند و بت‌ها را به عنوان نمادی از فرشتگان مورد ستایش و عبادت قرار می‌دادند، ده‌ها آیه در قرآن در بیان چنین باور جدی مشرکین به فرشتگان و نقش قائل شدن مستقیم برای آنان می‌باشد (۵).

و در زمان ما منکران دین و ایمان، هر چند از انرژی‌های مثبت یا منفی موجود در جهان سخن می‌گویند، اما وجود فرشتگان را خرافه‌ای بیش نمی‌دانند، مؤمنان نیز گرچه به دلیل مبانی دینی به آن باور دارند، ولی عملاً هیچ مناسبت و ارتباطی میان خود و فرشتگان نمی‌شناسند و بود و نبودشان را یکسان می‌انگارند. اما در ارکان قرآن این موضوع نقشی کلیدی، نه تنها در باور ذهنی، بلکه در عمل روزانه دارد و به همان نسبتی که دور شدن از شیطان و دشمن شناختن او اهمیت دارد، بهرمنند شدن از امدادهای فرشتگان و مؤثر شناختن آنان توصیه شده است!

فرشتگان به عنوان کارگزاران جهان، در حقیقت واسطه‌های رساندن رحمت خدا به آفریده‌ها هستند. دوری از رحمت و محرومیت از آن را با واژه "لعنت" بیان می‌کنند. از این نظر در ارتباط با خدا، فرشتگان و انسان‌ها، می‌توان در معرض رحمت یا لعنت آنان قرار گرفت:

بقره ۱۶۱- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

منکرانی که به حال انکار درگذشتند، لعنت (دوری از رحمت) خدا، فرشتگان و تمامی مردم بر آنها باد.

آل عمران ۸۷- أُولَئِكَ جَزَاءُ هُمُ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

کیفر آنها همین است که مورد لعنت (دوری از رحمت) خدا، فرشتگان و تمام مردم قرار می‌گیرند.

با همه این‌ها نباید فراموش کرد که فرشتگان بندگان مقرب خدا هستند و نقش مستقل قائل شدن برای آنان، همان‌طور که در مورد پیامبران و پیشوایان شرک محسوب می‌شود، موجب گمراهی است:

آل عمران ۸۰- وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

سزاوار نیست خدا شما را فرمان دهد فرشتگان و پیامبران را ارباب خود بگیرید؛ چگونه ممکن است شما را پس از آن که تسلیم فرمان حق شده‌اید، به کفر بخواند؟

فرشتگان کیستند و چیستند!؟

ما از ماهیت آنان که موجوداتی غیر مادی هستند، مطلع نیستیم. دانستن آن هم معلوم نیست مشکلی از زندگی امروز ما را حل کند. همین قدر که نقش آنان را در مورد خود بشناسیم، خیلی هنر کرده‌ایم! در فرهنگ قرآن فرشته را "مَلَكٌ" و فرشتگان را "مَلَائِكَةٌ" می‌گویند. این کلمه با کلمات: مَلَكٌ (حکومت و اداره‌امور)، مَلِكٌ (صاحب مال و حکومت)، مَلِكٌ ("پادشاه)، مَلِكٌ (مالک و صاحب شدن) = توانائی و قدرت) و مشتقاتی دیگر هم ریشه هستند. از مجموع این معانی در می‌یابیم که ملائکه نیروهائی هستند که خداوند تسلط و "توانائی" هائی برای آنها در اموری معین قرار داده و به گونه‌ای آنها را، همچون عوامل اجرائی يك مؤسسه، "کارگزاران جهان هستی" برای اجرای مأموریت‌هائی عام یا خاص قرار داده است.

همچنان که واژه "مَلَائِكَةٌ" به عنوان کارگزاران مطیع و فرمانبردار، از صفت "مَلِكٌ و مَلِيكٌ" بودن خدا ناشی می‌شود و بندگان باید به آنان (به عنوان بندگان و عوامل اجرائی خدا) نزدیک و با آنان هماهنگ شوند، شیطان از ریشه "شَطَنٌ"، معنای دور شدن و تمرد از فرمان پادشاه جهان هستی می‌دهد و آدمیان باید او را دشمن و مغایر مصلحت و رشد و کمال خود تلقی کنند و از او "دور" شوند.

نقشی که خدا به عهده فرشتگان گذاشته، یکی دو تا نیست؛ همه طبیعت و شریعت در قلمرو آنهاست و همچون نور و جاذبه، جایی خالی از آنها در جهان هستی وجود ندارد. اشارات زیر نگاهی به نقش‌های متنوع آنهاست:

فاطر ۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۗ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ستایش ویژه خدای آفریننده آسمانها و زمین که فرشتگان را در نقش فرستادگانی با بالهای (قدرت متفاوت) دوگانه، سه گانه و چهارگانه قرار داد؛ او در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید، او بر هر کاری توانا (اندازه گذار) است.

دو، سه، و چهار بال داشتن ملائک! برای فهم ذهن مادی ما و اشاره‌ای است از چند بُعدی بودن میدان عمل آنها که خداوند "قدیر" (اندازه گذار) مقدر کرده است. به این ترتیب، فرشتگان نیز رسولانی همچنان پیامبران مأموریت‌های ویژه‌ای در جهان دارند؛

حج ۷۵- اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

خداوند از میان فرشتگان رسولانی برگزیده، همچنان که از میان انسان‌ها. خداوند بس شنوا و بیناست.

اصلاً این تنوع نقش و مأموریت‌ها را در قرآن از زبان خود فرشتگان می‌خوانیم که: "هیچ کس از ما نیست مگر آنکه برای او مقامی معلوم (وظیفه‌ای مشخص) باشد. ماییم که صف زده‌ایم و ماییم که در حال تسبیحیم!":

صافات ۱۶۴ تا ۱۶۶- وَمَا مِثْلًا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ . وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ . وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

اشاره به در "صف" بودن شاید دلالت بر حاضر آماده بودن برای انجام اوامر الهی داشته باشد و اشاره به "تسبیح" گوئی نقشی در تکامل بخشیدن و رفع عیب و نقص کردن از پدیده‌ها باشد (والله اعلم).

هرچند نقش برخی فرشتگان، همچون فرشتگان گرفتن جان آدمی، که در آیات متعددی به آنان اشاره شده (۶) یا فرشتگان "عذاب" (۷)، با تمایل جاودانگی دنیائی ما، آرزوی جز خوبی ندیدن!، دید محدود بشری و بی‌خبری ما از حکمت آن‌ها مغایرت دارد، اما نقش‌های دیگری که قرآن از آنها سراغ داده، آنچنان دل انگیز است که خواننده را به دوستی برگزیدن آنان بسیار مشتاق و شیفته می‌سازد. در برخی آیات، این نقش‌ها به طور کلی گفته شده و در برخی دیگر، مشخص و آشکار. ابتدا به نقش‌های کلی اشاره می‌کنیم:

نقش‌های عمومی فرشتگان برای انسان‌ها

۱- استغفار (پاکسازی و زمینه‌سازی برای رشد و کمال)

در دو آیه زیر از استغفار فرشتگان حامل عرش الهی برای مؤمنین و حتی برای همه اهل زمین حکایت می‌کنند! فهم عامیانه ما از استغفار، ورد و ذکر لفظی است، اما حقیقت استغفار، طلب غفران یعنی پاک و پیراسته شدن است. استغفار این نیروهای مرموز جهان هستی به امر پروردگار برای انسان‌ها، همانا در خدمت رشد و کمال انسان بودنشان است. به تعبیری کارگزاران جهان، بخصوص عالی‌رتبه‌ترین آنها که "حاملین عرش" نامیده شده‌اند، یکسره در خدمت پاکسازی و رشد دادن به انسان می‌باشند!

شوری ۵- وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ

و فرشتگان پروردگار خویش را تقدیس می‌کنند و برای اهل زمین آمرزش می‌طلبند؛ بدانید که خدا آمرزگار و مهربان است.

غافر ۷ و ۸- الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

فرشتگانی که عرش (نظام اداره جهان) را حمل می‌کنند، و آنها که گرد آن هستند (زیر مجموعه‌ها)، به او ایمان دارند و برای اهل ایمان آمرزش می‌خواهند

۲- سجده بر آدم

جامع‌تر و عام‌تر ازواژه استغفار، "سجده" است که همه فرشتگان هنگام آفرینش انسان مأموریت یافتند به امر پروردگار برای آدم انجام دهند! معنای سجده نیز همچون استغفار، برای بیشتر مردم ناشناخته مانده است و تلقی آنها از این کلمه همانست که در هنگام نماز انجام می‌دهند. اما قرآن آشکار می‌سازد که خورشید و ماه و ستارگان، درختان و جنبندگان و اصولاً همه آفریده‌ها در حال سجده پروردگارند. چنین سجده‌ای چیزی جز رام و تسلیم و در خدمت بودن نیست.

اینک خدائی که همه جهان در سجده اوست، فرشتگان را فرمان داده تا تماماً به موجود تازه پدید آمده‌ای که آدم نام گرفته سجده کنند! او همچون مدیری که مدرسه هستی را تأسیس کرده، فرشتگان یعنی معلمان مدرسه را فرمان می‌دهد در خدمت محصل تازه وارد باشند و همه دانش خود را به تدریج در اختیار این کودک، که جز استعدادی که از روح الهی در او دمیده شده، هیچ ندارد قرار دهند.

این ماجرا در بیش از هفت سوره و هفتاد آیه قرآن (۸) شرح داده شده است که در اینجا تنها به يك مورد آن اشاره می‌شود:

بقره آیات ۳۰ تا ۳۴- وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ . وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ . قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ . وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.

(به یاد آر) زمانی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من قرار دهنده جانشینی در زمین هستم، گفتند: آیا کسی را قرار می‌دهی که فساد (اخلال در نظم) می‌کند و خونها می‌ریزد؟ در حالی که ما تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم (کار ما در سامان بخشیدن به جهان با عمل او مغایرت دارد)، خدا گفت من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. و به آدم همه خصوصیات (ماهیت اشیاء) را آموخت و آنگاه آن را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گوئید خصوصیات اینها را برشمارید. گفتند تو را تقدیس می‌کنیم، ما جز آنچه به ما آموخته‌ای دانشی نداریم؛ تو خود دانای فرزانه‌ای. گفت ای آدم، فرشتگان را از نقششان آگاه کن. و چون چنین کرد، گفت: مگر به شما نگفتم که من اسرار آسمانها و زمین را می‌دانم و از هر چه آشکار و نهان می‌کنید آگاهم؟ به یاد آر زمانی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید (در خدمت رشد و کمال او باشید)، همه سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و برتری جست و در زمره منکران شد.

۳- صلوات بر آدمیان

مردم ما با صلوات بر پیامبر آشنا هستند و بسیاری بدون آنکه معنای آن را درست بدانند و به ترجمه آن توجه کنند، شعاری را هنگام برده شدن نام پیامبر در نماز و حین سخنرانی، دسته جمعی بر زبان جاری می‌کنند. اتفاقاً در همان سوره‌ای که چنین توصیه‌ای به مؤمنین شده است، عیناً از صلوات خدا و فرشتگانش بر همه بندگان یاد کرده است که نشان می‌دهد مؤمنین نیز مشمول چنین صلواتی هستند.

صلوات و صلاة (نماز) از يك ریشه هستند که معنای اصلی آن "رویکرد" و توجه است. صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر رویکرد توأم با تأیید عملکرد او و افاضه رحمت است و صلوات پیروان بر او رویکرد توأم با تبعیت و طاعت می‌باشد.

احزاب ۴۱ تا ۴۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا . وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا . هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار و بامداد و شبانگاه (همواره) او را تسبیح (عملی پاک کننده و مثبت) کنید. اوست که به شما توجه و عنایت دارد- فرشتگان او نیز- تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی برآرند، و خدا نسبت به اهل ایمان همواره مهربان است.

احزاب ۵۶- إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

بی‌گمان خدا و فرشتگانش بر پیامبر توجه و عنایت دارند، شما مؤمنان هم بر او (از طریق طاعت و تبعیت) توجه کنید و تسلیم کامل باشید.

۴- شفاعت فرشتگان

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مشرکین معاصر پیامبر به شفاعت فرشتگان برای دفع ضرر و جلب منفعت در دنیا معتقد بودند و آنها را واسطه تقرب به خدا و توسل به او تصور می‌کردند. قرآن البته نقش واسطه‌گی فیض و کارگزاری فرشتگان را، که از جهاتی

در قالب مفهوم شفاعت می‌گنجد، مورد تأیید قرار داده است، اما تأکید کرده این نقش در نظامات از قبل تعیین شده الهی کاربرد دارد، نه با دعا و درخواست و قربانی کردن بندگان در آستانه بُت‌ها!

نجم ۲۶- وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَأُتْعَىٰ شَفَاعَتَهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يُأَذِّنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

چه بسیار فرشتگانی در آسمانها که شفاعت (نقش امدادی) آنها هیچ سودی ندارد، مگر به اذن (قوانین) خدا، برای کسی که اعمالش منطبق با مشیت و رضایت رب باشد، هیچ اثری ندارد.

۵- نزول در شب قدر

با نزول ملائکه و روح در شب قدر بر کسانی که شایستگی آن را در آن روزها و شب‌ها پیدا کرده باشند، همگی آشنایی دارید، معنای این نزول در دسترس قرار گرفتن و امکان ارتباط با چنان نیروهای مثبتی است که به مراتب بیش از سایر لحظات سال نزدیک هستند، به طوری که ارزش چنان شبی بیش از هزار ماه است!

قدر ۴- تَنزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

فرشتگان و روح در آن شب از هر امری فرود می‌آیند.

نزول فرشتگان و روح در شب قدر، همچون حاضر شدن معلمین و شاگردان در اولین روز تحصیلی در مدرسه برای آموزش شاگردان، "عروج" فرشتگان و روح در پایان دنیا همچون بسته شدن دفتر و مدرسه و رفتن معلمین در پایان سال و بالاخره "قیام" و به صف شدن آن دو نیرو در روز قیامت، دوری شدن انسان‌ها در عرضه به امکاناتی است که برای به کمال رسیدن داشته‌اند. والله اعلم!

جریان نزول را در آیه فوق ملاحظه کردید، اینک به دو مرحله "عروج" و "قیام" در آیات زیر نگاه کنید:

معارج ۴- تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

فرشتگان و روح در شبی که مقدار آن پنجاه هزار سال است به سوی او عروج می‌کنند.

نبا ۳۸- يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

روزی که روح و فرشتگان به صف می‌ایستند و هیچ سخنی نمی‌گویند مگر کسی که پروردگار به او اذن داده باشد، و به درستی سخن گوید.

۷- روحیه دادن و ثبات قدم بخشیدن به موحدین

نقش دائمی و دیگر فرشتگان، جرأت بخشیدن، نگرانی زائل کردن و بشارت دادن به موحدینی است که با احتراز از سرسپاری به ارباب دنیا، آشکارا اعلام می‌کنند که ربّ ما فقط خداست و آنگاه در مقابل عوارض اعلام موضع مردانه خود استقامت می‌کنند. این است رمز آن که چرا و چگونه، در حالی که اکثریت مردم در چنگال ترس و نگرانی از خشم ستمگران سلطه‌گر هستند، مردان حق هیچ واهمه‌ای از عواقب اقدام خود ندارند و همچون کوه استوار و سربلند هستند.

فصلت ۳۰ و ۳۱- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ . نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ... .

کسانی که گفتند (اعلام موضع کردند) که ربّ ما خداست (نه ارباب‌های دنیایی) و سپس استقامت ورزیدند، دائماً فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که: نترسید و محزون نشوید و بشارت باد بر شما بهشتی که وعده داده شده‌اید. ما (فرشتگان) دوستان حامی شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم و...

۸- امداد دادن مجاهدان در جنگ

داستان یاری شدن مؤمنین توسط فرشتگان در جنگ‌های بدر و احد و غیره را همه خواننده یا شنیده‌اید. این یاری برخلاف تصور عامیانه نه جنگیدن در صحنه به نفع مسلمین، بلکه روحیه دادن و آرامش بخشیدن به مجاهدین بوده است. نگاه کنید:

آل عمران ۱۲۴ تا ۱۲۶- إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ . بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ . وَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَأَنَّ بَشْرِي لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

آنگاه که به مؤمنان گفتی: آیا کافی نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته نازل شده (در جنگ) یاری کند؟ آری، اگر ایستادگی و خویشتن داری کنی، و دشمنان با همین خشمی که در آنهاست بر شما یورش آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مشخص یاری خواهد کرد. خدا این امداد را تنها برای بشارت شما قرار داد تا دل‌های‌تان آرامش یابد؛ و یاری جز از جانب خدای فرادست و فرزانه نیست.

انفال ۹ و ۱۰- إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبُّكُمْ فَأَسْتَجِبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدِّكُمْ بِالْأَفْرِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ . وَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَأَنَّ بَشْرِي وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ . إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

(به یاد آرید) زمانی را که (در لحظات حساس جنگ بدر) با تمام وجود از پروردگارت یاری می‌خواستید و او پذیرفت (و گفت): شما را به هزار فرشته که به دنبالشان گروه‌های دیگری است یاری می‌کنم.

نقش‌های فوق تماماً به عملکرد فرشتگان در ارتباط با انسان‌ها در مدت زندگی دنیا ارتباط داشت، همان‌طور که از زبان فرشتگان در قرآن نقل شده، آنها اولیاء انسان هم در دنیا و هم در آخرت هستند. حضور آنها، هم در تحولات فیزیکی قیامت در زمین و آسمان نقش دارد (۹) و هم در عذاب منکران و ستمگران و هم در خدمت بهشتیان که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

انبیاء ۱۰۳- لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَاغُ الْأَكْبَرُ وَيَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ الْاِذْيِ كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

(مؤمنان را) آن وحشت بزرگتر (عذاب رستاخیز) اندوهگینشان نمی‌کند و فرشتگان از آنها استقبال می‌کنند (و می‌گویند) این همان روز (مورد انتظار) تان است که به شما وعده داده می‌شد.

۹- ثبت و ضبط اعمال انسان و حفاظت او از حوادث

از جمله نقش‌هایی که خداوند در مورد انسان به عهده فرشتگان گذاشته است، یکی هم ثبت و ضبط گفتار و کردار انسان است که مکانیسم شگفت‌آور آن از نظر علمی برای ما روشن نیست، همین قدر به ما گفته شده است که کلام، به محض ادای آن، توسط دو گیرنده (برحسب خیر و شر) ثبت می‌شود:

ق ۱۶ تا ۱۸- وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا نُسُوسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ . إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدًا مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

ما انسان را آفریدیم و از وسوسه‌های ضمیرش آگاهیم؛ و از شاهرگش به او نزدیک‌تریم. در شرایطی که دو مأمور گزارشگر که در راست و چپ‌اش نشسته‌اند در حال ضبط‌اند، او هیچ سخنی به زبان نمی‌آورد، مگر اینکه در کنارش مراقبی آماده است.

در سوره‌های دیگر نیز برحسب مورد اشاراتی به این مکانیسم شده است:

یونس ۲۱- إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَكْمُرُونَ.

همانا فرستادگان ما آنچه مکر می‌کنند، می‌نویسند

زخرف ۸۰- أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ . بَلَىٰ وَإِنَّا لَنَسْمَعُ لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ

آیا می‌پندارند ما اسرار و سخنان درگوشی آنانرا نمی‌شنویم، آری فرستادگان ما که نزد آنانند، آنها را می‌نویسند.

انفطار ۱۰ تا ۱۲ - وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ . كَرَامًا كَاتِبِينَ . يَعْلَمُونَ مَا تَعْلَمُونَ

همانا بر شما محافظت کنندگانی هست، نویسندگانی گرامی، می‌دانند آنچه می‌کنید.

نیروئی که چنان در وجود ما رسوخ کرده که بر تمامی گفتار و کردارمان احاطه علمی دارد، بدیهی است که می‌تواند محافظ جانمان نیز در برابر حوادثی که خارج از مشیت خداست باشد. آیات زیر اشاره به این عملکرد فرشتگان است:

انعام ۶۱- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّقَهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ

اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و محافظانی بر شما می‌فرستد؛ آنگاه که مرگ یکی از شما فرا رسد، فرشتگان ما بدون هیچ کوتاهی جان او را می‌گیرند.

رعد ۱۱- لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ....

انسان فرشتگانی در پی دارد که از پیش رو و از پشت سر به فرمان خدا محافظتش می‌کنند

۱۰- آنها که از دوستی فرشتگان بسیار بهره‌مند شدند!

موفق‌ترین انسان‌ها در استفاده از نیروهای مثبت جهان پیامبران بودند که با اخلاص در عمل، خود را در افقی قرار دادند که توانستند از پشتیبانی این کارگزاران به امر الهی حداکثر استفاده را بکنند. همچون: زکریا (۱۰)، مریم (۱۱)، ابراهیم (۱۲)، لوط (۱۳)، ... و بالاخره پیامبر خاتم:

تحریم ۴- فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

.... پس خدا و جبرئیل و مؤمنان شایسته، دوستدار او (پیامبر) هستند علاوه بر آن، فرشتگان به پشتیبانی‌اش ایستاده‌اند.

جریان "وحی" و الهام به رسولان نیز از جمله امدادهای آگاهی بخشی است که خداوند از طریق فرشتگانی که آنها را امین وحی، جبرئیل، رسول کریم، کرام برره و ... نامیده، پیامبران خود را به حقایقی از جهان هستی آگاه گردانیده است.

۱- از جمله: بقره ۱۷۸، ۲۰۸؛ انعام ۱۱۲، ۱۴۲؛ اعراف ۲۲؛ یوسف ۵؛ کهف ۵۰؛ اسراء ۵۳؛ قصص ۱۵؛ فاطر ۶؛ یاسین ۶۰؛ زخرف ۶۲

۲- اسراء ۴۰؛ زخرف ۱۹ و ۵۳؛ نجم ۲۷ و ...

۳- انعام ۹۴؛ اعراف ۵۳؛ زمر ۴۳؛ یونس ۱۸؛ نجم ۲۶ و....

۴- زمر ۳؛ احقاف ۲۸

۵- از جمله: انعام ۸ و ۹؛ هود ۱۲؛ حجر ۷ و ۸؛ اسراء ۴۰، ۹۲ تا ۹۵؛ مومنون ۲۴؛ فرقان ۷، ۲۱، ۲۲؛ سبا ۴۰؛ فصلت ۱۴؛ زخرف ۱۹

۶- از جمله: نساء ۹۷؛ انعام ۹۳؛ انفال ۵۰؛ نحل ۲۸ تا ۳۲؛ محمد ۲۷؛ سجده ۱۱

۷- تحریم ۶ و منثر ۳۱

۸- از جمله بقره آیات ۳۰ تا ۳۹؛ اعراف ۱۱ تا ۲۵؛ حجر ۲۸ تا ۴۸؛ اسری ۶۱ تا ۶۵؛ کهف ۵۰؛ طه ۱۱۶ تا ۱۲۳؛ ص ۷۱ تا ۸۵ و...

۹- حاقه ۱۷؛ فجر ۲۲؛ فرقان ۲۵ و ..

۱۰- آل عمران ۳۹ تا ۴۱

۱۱- آل عمران ۴۲ تا ۴۵؛ مریم ۱۷ تا ۲۱

۱۲- هود ۶۹ تا ۷۴؛ عنکبوت ۳۱ تا ۳۴؛ زاریات ۲۴ تا ۳۷ و....

۱۳- هود ۷۷ تا ۸۱ و ...